

مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی-پژوهشی، شمارهٔ پیاپی ۱۲- بهار و تابستان ۱۳۹۴

فاطمه کاظمی مطلق (کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
دکتر محمود الیاسی (استادیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسوول)
دکتر اعظم استاجی (دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

مقایسه واجی- صرفی افعال گویش تاتی ادکان با فارسی معیار

چکیده

زبان‌ها و گویش‌ها به‌عنوان یکی از عناصر عمده فرهنگ‌ها، از سرمایه‌های انسانی محسوب می‌شوند و در شرایطی که شاهد نابودی سریع این سرمایه‌های ملی و انسانی هستیم و نگرانی از آن‌ها میسر نیست، لازم است با ثبت و ضبط ویژگی‌های آن‌ها از محو کامل این میراث‌های فرهنگی جلوگیری به‌عمل آوریم. هدف از انجام این پژوهش توصیف بخشی از نظام فعلی گویش روستای ادکان (خراسان شمالی-سفراین) است. این گویش از جمله گویش‌های تاتی خراسان شمالی می‌باشد و تاکنون تحقیق زبان‌شناختی جامعی بر روی آن انجام نگرفته است. در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها، از ده گویش‌ور زن و پنج گویش‌ور مرد بومی، سال‌خورده و میان‌سال، و بی‌سواد و کم‌سواد ساکن در این روستا استفاده شده است و سؤالات از قبل تدوین‌شده‌ای به‌طور شفاهی از آن‌ها به‌عمل آمده و صدایشان ضبط گردیده است. داده‌های خام این بررسی از آوانویسی صدای ضبط شده گویش‌وران به‌دست آمده است. این داده‌ها نشان می‌دهد که نظام فعلی این گویش تفاوت‌های زیادی با زبان فارسی معیار دارد و مهم‌ترین نتایج مرتبط با این پژوهش عبارتند از: (۱) این گویش فاقد زمان‌های ملموس، ماضی نقلی مستمر و گذشته ابعداست؛ (۲) شناسه‌ها در این گویش در زمان‌های مختلف و با فارسی معیار متفاوتند؛ (۳) تکواژهای ماضی‌ساز در این گویش متفاوت با فارسی معیارند؛ (۴) در این گویش پیشوندهای فعلی اغلب به‌سبب هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل، به‌صورت‌های دیگری به‌کار می‌روند؛ (۵) در گویش ادکان صرف فعل در ماضی نقلی مشابه صرف آن در ماضی ساده است و تفاوت آن‌ها در جایگاه تکیه است؛ (۶) در این گویش فعل کمکی «بودن» در صرف فعل‌های ماضی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۰

fa_na57@stu-mail.um.ac.ir.

2. pahlavan@um.ac.ir: پست‌الکترونیکی

3. pahlavan@um.ac.ir

بعید، به /d/ تبدیل می‌شود؛ ۷) برای ساخت صورت آینده فعل در این گویش دو روش وجود دارد؛ ۸) ساخت فعل امر در گویش ادکان مشابه با فارسی معیار است به‌جز موارد استثنایی چون فعل «ایستادن».

کلیدواژه‌ها: گویش، گویش تاتی، روستای ادکان، دستگاه فعل، شناسه.

۱- مقدمه

گویش‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی عملی است که هدف آن گردآوری گویش‌ها و توصیف علمی آن‌هاست (مدنی، ۱۳۷۴: ب). گویش‌شناسی به‌طور سنتی در ذهن شنونده بررسی آن گونه زبانی خاص را متبادر می‌سازد که در روستاها کاربرد دارد، غیر معیار، کم‌وجهه، محدود و فاقد صورت‌های نوشتاری است. واژه گویش به گونه زبانی، که زیرشاخه یک زبان معیار و دارای وجهه اجتماعی و تنوع واژگانی و گستردگی ساختاری است نیز اطلاق می‌شود (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۴۱).

با گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی تا دورترین نقاط روستاها و عمومیت یافتن آموزش‌های رسمی همگانی، گویش‌های محلی به‌سرعت رو به فراموشی نهاده‌اند. بر پایه گزارش سازمان یونسکو، در حال حاضر هر دو هفته یک زبان در سطح جهان می‌میرد. این زبان‌ها که عمدتاً در مناطق دورافتاده رواج دارند، یا زیر سیطره یک زبان و فرهنگ غالب هستند یا تحت تأثیر فناوری‌های نوین و روند پرشتاب جهانی شدن و هم‌سان‌سازی فرهنگی دچار تحوّل یا نابودی می‌شوند (پارسانسب، ۱۳۹۳: ۱۵).

در حدود ۱۵۰ گویش از گویش‌های زبان فارسی که تا امروز در ایران رواج دارد، مورد مطالعه و بررسی زبان‌شناسان اروپایی و ایرانی قرار گرفته است. اهمیت و ارزش این گویش‌ها کمتر از کتیبه‌های هخامنشیان یا اوستای زرتشت یا متون پهلوی نیست. هریک از این گویش‌ها پر از لغات و مفردات و ترکیبات و اصطلاحات فارسی اصیل است و هر یک می‌تواند برای فارسی منبعی الهام‌بخش باشد (امیری و زارع، ۱۳۸۹: ۴۵۴). مطالعه گویش‌ها و حفظ آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است و از بین رفتن آن‌ها را می‌توان نوعی استحاله فرهنگی دانست. این امر در مورد زبان فارسی که از غنای فرهنگی و ادبی بالایی برخوردار است، اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. یکی از امتیازات گویش‌های فارسی، کاربرد بسیاری از اقلام واژگانی و صورت‌های صرفی و نحوی کهن

فارسی در آن‌هاست و این امر کمک شایانی به شارحان و مصححان متون ادبی خواهد کرد (صفرزاده، ۱۳۸۶: ۶۷). بررسی، مطالعه و توصیف این گویش برای خوانندگان متون ادبی نیز می‌تواند راه‌گشا باشد؛ چراکه بسیاری از واژگان رایج در این گویش، در زبان شاعرانی چون رودکی، عطار، فردوسی و مولوی دیده می‌شود (همان: ۷۳).

ادکان یکی از روستاهای بسیار قدیمی خراسان است که در دهستان ژُرق آباد از توابع شهرستان اسفراین قرار دارد. این روستا از شمال به روستای ژُرق آباد، از جنوب به روستاهای کوران و گورپان، از شرق به روستاهای نیش‌کیش و قلعه‌نو، و از غرب به روستای عمارت منتهی می‌شود (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور - استان خراسان شمالی شهرستان اسفراین: ۶۵). رحمتی (۱۳۹۴: ۶۱) نژاد غالب ساکن در این روستا را تات و زبان رایج غالب ساکنین را تاتی برشمرده است.

ادکان در دوران حاکمیت مغولان و تیموریان، و در عصر سرداران اهمیت زیادی داشته و سابقه تاریخی آن از شهر اسفراین که در آن دوران به شهر بلقیس شهرت داشته، بیش‌تر است و در نقشه‌های مربوط به دوره ساسانیان تمامی منطقه اسفراین کنونی با نام ارکان (ادکان) نشان داده شده است (مبشری، ۱۳۶۸: ۱۰). کلنل بیتانگلیسی در کتاب «سفرنامه خراسان، سیستان» می‌نویسد: «میان‌آباد بزرگ بود حدود ۷۰۰ خانوار در آن زندگی می‌کردند... شهر بلقیس از دو شهروارک تشکیل می‌شد که خالی از سکنه و به‌صورت خرابه‌هایی از آجرپاره به چشم می‌خورد... ادکان و کوران دو شهر دیگری که هنوز موجودند، در کناره درّه جنوبی اسفراین قرار دارند» (متولی حقیقی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

در دوران بعد نیز ادکان دارای چندین مکتب‌خانه و خانقاه دروس علمی و فقهی بوده که بعدها افرادی به مقام و کرسی استادی و فقهی، علم حدیث و تفسیر رسیده‌اند که از آن جمله می‌توان ابوالمیامین نجم‌الدین محمدبن محمدبن ادکانی صاحب رساله بارزش «حلیه‌الاولیاء» (فسنقری و شاهد، ۱۳۸۱: ۱۴۱) و بسیاری دیگر را نام برد که هنوز آثار خانقاه‌ها و آرامگاه‌های برخی از آنان در اطراف این روستا به‌جا مانده است.

با مشاهده وجوه اشتراک و تفاوت‌های بسیار بین ساخت افعال گویش ادکان و گونه معیار، نگارندگان بر آن شدند تا در این تحقیق که به‌روش توصیفی به انجام رسیده در مسیر یافتن پاسخ به سؤالات زیر گام بردارند:

- (۱) وجوه تمایز ساخت افعال در گویش ادکان با فارسی معیار کدامند؟
 (۲) در راستای پاسخ به سؤال اول تحقیق، هرگاه تفاوت بارزی بین صرف افعال این گویش و گونه معیار مشاهده می‌شود، این تفاوت را به چه عواملی می‌توان نسبت داد؟

۲- پیشینه تحقیق

اگر ادبیات و زبان‌های باستانی را مورد بررسی قرار دهیم، بی‌شک عمده آن را می‌توان در خراسان بزرگ ریشه‌یابی کرد؛ خط و زبان پهلوی که اشکانیان بدان منتسب‌اند، متعلق به این سرزمین است (آقاملایی، ۱۳۸۹: ۳۰). با بررسی‌های نگارندگان و مطالعه واژه‌نامه پهلوی، وجود تشابهاتی بین واژگان این گویش و زبان پهلوی اثبات گردید. هم‌چنین با در نظر داشتن تاتی بودن اهالی روستا، با مطالعه مقالاتی چون «پژوهشی در گویش تاتی شمال خراسان و کاربرد آن در تصحیح و شرح متون ادب فارسی» نوشته صفرزاده (۱۳۸۶)، و «واژه‌نامه‌های کتاب‌هایی چون «گویش تاتی شمال خراسان» نوشته صفرزاده (۱۳۸۲) و «تات‌نشین‌های بلوک زهر» نوشته جلال آل احمد (۱۳۸۹) واژگان مشترک و مشابه بسیاری از این گویش با زبان تاتی حاصل شد. بنابراین می‌توان گویش ادکان را زیرمجموعه‌ای از زبان تاتی ایران به‌شمار آورد. حال آن‌که یارشاطر معتقد است «تات» به زبان یا لهجه خاصی اشاره ندارد و واژه تات به مردمی در منطقه مرکزی ایران اطلاق داده می‌شود که به زبان‌های ایرانی تکلم می‌کنند؛ نیز گویش اسفراینی را در فهرست زبان‌های تاتی جنوبی قرار داده است (پارسانسب ۱۳۹۳: شانزده).

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که تاتی نزدیکی‌هایی به گویش‌های تالشی (عبدلی ۱۳۸۰: ۲۵)، گیلکی (صفرزاده ۱۳۸۲: ۱۷) و سمنانی (دانش‌نامه دانش‌گستر، ذیل تاتی) دارد. برخی به شباهت‌های تاتی با اوستایی اشاره داشته‌اند (عبدلی ۱۳۸۰: ۲۰-۲۲). عده‌ای نیز کوشیده‌اند به شباهت‌ها و پیوندهای تاتی با پهلوی اشاره داشته باشند (عبدلی ۱۳۸۰: ۲۲-۲۴). برخی نیز تاتی را به‌همراه تالشی، مازندرانی و گیلکی بازمانده‌های زبان مادی کهن دانسته‌اند (عبدلی ۱۳۸۰: ۲۵). مادی بودن زبان تاتی را کسانی چون طاهری (۱۳۸۷)، رحمانی (۱۳۸۷)، جهان‌بخش (۱۳۸۷) و هم‌چنین احسان یارشاطر در دانش‌نامه اسلام و ایران بیان داشته‌اند. صفرزاده (۱۳۸۲: ۱۷) نیز آن را متعلق به مادی پیش از اسلام

دانسته و دیاکونوف، خاورشناس روسی نیز این مطلب را اظهار داشته و آن‌ها را بقایای زبان هند و اروپایی می‌داند (عبدلی، ۱۳۸۰: ۲۹).

از پژوهش‌هایی که در مورد گویش تاتی در خراسان و ایران به انجام رسیده، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- طاهری (۱۳۷۰) به ارائه توصیف اجمالی از ساختمان دستوری گویش تاتی تاجیکستان در منطقه بوئین‌زهره پرداخته است. ویژگی‌های دستوری این گویش در این رساله، به سه جزء اصلی نظام آوایی گویش، ساختمان صرفی و ساختمان نحوی آن طبقه‌بندی و بررسی شده است.

- رحمانی (۱۳۸۰) به توصیف ساختمان فعل در گویش تاتی تاجیکستان پرداخته است و در آن پس از توصیف واجی گویش، دستگاه فعل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که: تعداد معدودی از افعال در این گویش بی‌قاعده‌اند و هنگام صرف دارای چندین ستاک می‌باشند؛ این گویش از ساختار آرگتیو نوع ناقص برخوردار است.

- یحیی‌زاده (۱۳۸۲) به توصیف و تجزیه و تحلیل سطوح مختلف زبانی گویش تاتی شاهرود خلخال پرداخته است. وی ساختمان این گویش را در سطوح مختلف آوایی، ساخت‌واژی و نحوی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، به بررسی تفاوت‌های آن با فارسی معیار می‌پردازد و ویژگی‌های منحصر به فرد این گویش را یادآور می‌گردد.

- صفرزاده (۱۳۸۶) گویش تاتی شمال خراسان را مورد پژوهش قرار داده و به کاربرد آن در شرح و تصحیح متون ادب فارسی پرداخته است. صفرزاده در این پژوهش ابتدا به بررسی ریشه و معنی واژه «تات» پرداخته، سپس برخی تفاوت‌های آوایی در گویش تاتی شمال خراسان با فارسی معیار را ذکر کرده و بعد از آن با آوردن ابیاتی از شاعران پارسی‌زبان و جملاتی نثر از سایر متون ادبی، به حفظ واژگانی از گویش تاتی در آثار این بزرگان اشاره داشته است و هم‌زمان به معنی این واژگان نیز پرداخته است.

- سبزعلی‌پور (۱۳۸۸) به بررسی و تطبیق سه گویش تاتی خلخال، تالشی و گیلکی در حوزه زبانی ساخت فعل، به‌نگارش درآورده است. بدین منظور از هر گویش، سه گونه انتخاب شده که در مرحله اول، گونه‌های یک گویش با هم و در مرحله بعد با دو گویش دیگر و سرآخر با زبان‌های

ایرانی دوره باستان و میانه مقایسه شده‌اند. در این پژوهش مباحثی مانند ریشه، ماده، وندهای فعل، وندهای مصدر، صفت مفعولی، نمود، وجه و... بررسی شده است.

• نوروززاده (۱۳۸۹) گویش تاتی روستای رویین واقع در شهرستان اسفراین را مورد بررسی قرار داده است و به کاربرد آن در تصحیح و شرح متون ادب فارسی پرداخته است که بسیار شبیه به کار صفرزاده (۱۳۸۶) می‌باشد.

• اکبرزاده، کنعانی و عبدی (۱۳۸۹) به بررسی گویش تاتی سنخواست و جاجرم واقع در خراسان شمالی در آثار عطار پرداخته‌اند. ایشان با ذکر ابیاتی از عطار، به شرح معنی و تلفظ برخی واژگان تاتی در آثار این شاعر همت گمارده‌اند.

• حسینی زنجانی‌نژاد (۱۳۸۹) به بررسی ساخت فعل در گویش تاتی اشتهاردی پرداخته است. داده‌ها به روش میدانی به صورت فایل صوتی جمع‌آوری شده و سپس واج‌نگاری و تحلیل شده‌اند. برخی نتایج این پژوهش بدین شرح‌اند: نظام فعلی در اشتهاردی بر اساس دو ستاک حال و گذشته بنا شده است؛ در اشتهاردی نظام انطباق زمان‌بنیاد وجود دارد. از پژوهش‌هایی که در مورد افعال گویش‌های شمال خراسان انجام شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• الاجه‌گردی (۱۳۷۸) به توصیف دقیق گروه فعلی گویش نیشابوری و عناصر موجود در آن در چارچوب نظریه ایکس-تیره پرداخته است؛ نیز فرآیندهای نحوی که در گروه فعلی گویش نیشابوری عمل می‌کنند و وجه و نمود فعل در این گویش را به تفصیل بررسی کرده است.

• الداغی (۱۳۸۹) فعل‌های ماضی و مضارع گویش سبزواری را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش ضمن تعریف و کاربرد فعل‌ها و سپس صرف فعل‌ها با مثال، نکاتی یادآوری می‌شود که مختص گویش سبزواری است و تحوّل آوایی و ساختاری، نزدیکی به زبان‌های باستانی، و تغییر مصوّت /æ/ به /e/ که یکی از ویژگی‌های فعل مضارع سبزواری است، روشن می‌شود.

• مزینانی و شریفی (نوبت چاپ) با رویکردی توصیفی-انتقادی و به ثبت و ضبط ویژگی‌های ساخت‌واژی باستانی فعل‌های گویش فارسی مزینانی (سبزوار-خراسان رضوی) پرداخته‌اند. برخی از نتایج ایشان عبارتند از این که: شناسه‌های فاعلی این گویش همبستگی بیش‌تری با نظیر خود در

فارسی میانه نشان می‌دهند تا فارسی معیار؛ ساخت ماضی ساده به دو شیوه، یکسان با معیار و متفاوت با آن، به چشم می‌خورد.

۳- روش تحقیق

در این پژوهش به منظور دستیابی به داده‌های مورد نظر برای بررسی صرفی فعل در گویش ادکان، تعداد ده زن در سنین ۵۰ تا ۷۵ و پنج مرد در سنین ۴۵ تا ۹۰ سال که اغلب بی‌سواد و کم‌سواد و تک‌زبان که از کودکی ساکن همین روستا بوده‌اند، به صورت نمونه‌گیری هدفمند از بین کل جمعیت آماری انتخاب شدند. نگارندگان از قبل پرسش‌نامه‌ای را که موضوع سؤالات آن در مورد حوادث مختلف در زمان گذشته و برنامه‌های افراد در آینده بود، روی کاغذ تدوین کردند. سپس سؤالات این پرسش‌نامه را از افراد مذکور به صورت شفاهی - بدون در اختیار قرار دادن پرسش‌نامه کاغذی - و به طور تصادفی پرسیده، و صدای صحبت آن‌ها را با دستگاه ضبط صدا ضبط کرده‌اند. پس از آن، گفتار این افراد به رشته تحریر درآمده و آوانویسی شده است. در گفتار این گویش‌وران تفاوت‌های واژگانی و صرفی بسیاری با زبان معیار مشاهده شد. در این مقاله صرفاً به بررسی افعال در زمان‌های مختلف و مقایسه آن با فارسی معیار می‌پردازیم.

۴- ساختمان فعل در گویش ادکان

از نظر وحیدیان کامیار (۱۳۹۰: ۳۲) فعل بخش اصلی گزاره است و نشانه آن داشتن شناسه است که معمولاً با نهاد مطابقت می‌کند. در این گویش فعل از نظر اجزای تشکیل‌دهنده به سه نوع ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌شود. فعل ساده آن است که بن مضارع آن تنها یک تکواژ باشد.

جدول ۱. چند نمونه فعل ساده در گویش ادکان و بن مضارع آن‌ها

گویش ادکان	فارسی معیار	گویش ادکان	فارسی معیار	
/gereftæ/	گرفته است	/didæg/	دید	فعل
/git/	گیر	/bi:n/	بین	بن مضارع

اگر به ابتدای برخی از فعل‌های ساده یک وند افزوده شود، به فعل پیشوندی تبدیل می‌شود:

برگشت. /væɪr-gæɪft/

به در شد. /be-dæ ræft/

و اگر پیش از فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تکواژ مستقل بیاید و با آن ترکیب شود، حاصل فعل مرکب است:

لباس‌ها را پهن کردم. /ræxt rætenik kord-om/

دستگاه فعلی گویش ادکان بر اساس دو ستاک حال و گذشته، دو شمار و سه شخص قرار دارد. زمان‌های مختلف با ستاک‌ها و شناسه‌ها ساخته می‌شوند.

۴-۱- ستاک

ستاک^۱، به آن بخش از فعل اشاره دارد که در هر شش ساخت آن مشترک است و وندهای مختلف به آن افزوده می‌شود. ستاک بر دو نوع است (ناتل خانلری، ۱۳۶۴: ۲۶-۲۷):

الف) ستاک حال

ستاک حال^۲ در حقیقت همان ریشه فعل می‌باشد و می‌توان آن را به روش‌های زیر به دست آورد:

→ /ʃek f-tæn/ 1. حذف نشانه زمان گذشته و مصدر → /ʃek f/

→ 2. /be-ʃek f/ → حذف نشانه امر → /ʃek f/

→ 3. /ʃek ft/ → حذف شناسه ماضی ساز (فعل باقاعده) → /ʃek f/

ب) ستاک گذشته

ستاک گذشته^۳ در این گویش با حذف نشانه مصدری /-æn/ از مصدر و یا با افزودن یکی از

تکواژهای ماضی ساز /-id/، /-t/، /-d/ و /-ist/ به ستاک حال ساخته می‌شود:

1. res + /-id/ → resid رسید
2. koʃ + /-t/ → koʃt کشت
3. xor + /-d/ → xord خورد

1stem

2 present stem

3 past stem

4. dow + /-ist/ → dowist دوید

۲-۴- ویژگی‌های فعل

۲-۴-۱- شخص و شمار

شخص در فعل همان شناسه است که همیشه همراه آن می‌آید و در گویش ادکان همانند فارسی معیار به شش صورت وجود دارد. در ادامه مقایسه‌ای بین شناسه‌های فارسی معیار و گویش ادکان در زمان ماضی ساده و مضارع ساده انجام شده است:

جدول ۲. مقایسه شناسه‌های فعل ماضی ساده گویش ادکان و زبان فارسی معیار

شخص و شمار	شناسه	فعل ماضی فارسی معیار	شناسه	فعل ماضی گویش ادکان
اول شخص مفرد	/-æm/	/goft-æm/	/-om/	/goft-om/
دوم شخص مفرد	/-i/	/goft-i/	/-i/	/goft-i/
سوم شخص مفرد	/-ø/	/goft/	/-æg/	/goft-æg/
اول شخص جمع	/-im/	/goft-im/	/-im/	/goft-im/
دوم شخص جمع	/-id/	/goft-id/	/-in/	/goft-in/
سوم شخص جمع	/-ænd/	/goft-aend/	/-æn/	/goft-aen/

چنان‌که دیده می‌شود شناسه‌ها در زمان گذشته ساده در فارسی معیار و گویش ادکان با یکدیگر متفاوت هستند، به این ترتیب که شناسه سوم شخص مفرد در فارسی معیار /-ø/ و در گویش ادکان /-æg/ یا صورت واک گرفته آن /-æk/ می‌باشد. این شناسه تکواژی است که در گذشته از ماده ماضی، صفت مفعولی می‌ساخته و در این گویش به صورت شناسه سوم شخص بازتحلیل شده است. هنگام تأکید، این شناسه بسیار واضح ادا می‌شود. هم‌چنین در اول شخص مفرد برابر /-æm/ در فارسی معیار، /-om/ و در دوم شخص جمع برابر /-id/ در فارسی معیار، /-

/in/ استفاده می‌شود و در سوم شخص جمع همخوان /-d/ از آخر شناسه حذف شده است.

جدول ۳. مقایسه شناسه‌های فعل مضارع گویش ادکان و فارسی معیار

شخص و شمار	شناسه	مضارع فارسی معیار	شناسه	مضارع گویش ادکان
اول شخص مفرد	/-æm/	/mi-guj-æm/	/-om/	/mo-g-om/
دوم شخص مفرد	/-i/	/mi-guj-i/	/-i/	/me-g-i/
سوم شخص مفرد	/-æd/	/mi-guj-æd/	/-æ/	/me-g-æ/
اول شخص جمع	/-im/	/mi-guj-im/	/-im/	/me-g-im/
دوم شخص جمع	/-id/	/mi-guj-id/	/-in/	/me-g-in/
سوم شخص جمع	/-ænd/	/mi-guj-ænd/	/-æn/	/me-g-æn/

شناسه‌های مضارع فارسی معیار و گویش ادکان نیز با هم متفاوتند؛ در اول شخص مفرد برابر /-æm/ در فارسی معیار /-om/، در دوم شخص جمع برابر /-id/ در فارسی معیار /-in/ استفاده می‌شود و در سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع همخوان /-d/ حذف شده است.

۴-۲-۲- زمان

در این گویش نیز مانند زبان فارسی معیار سه زمان اصلی وجود دارد: گذشته، حال، و آینده.

۴-۲-۱- ماضی ساده

ستاک گذشته + شناسه

در این گویش ماضی ساده در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) برای بیان عملی که در گذشته انجام گرفته بدون توجه به دوری و نزدیکی زمان
برادرم دام‌ها را علوفه داد. /ber□rom m□l□ ræjem kord-æg/

ب) آینده قریب الوقوع

/ æli bi-j-□/ علی بیا.

/ æmæd-om/ آمدم.

جدول ۴. صرف فعل «دوختن» در زمان گذشته ساده

گویش ادکان			فارسی معیار
گذشته ساده	ستاک	شناسه	
/de:xt-om/	/de:xt/	/-om/	دوختم
/de:xt-i/	/de:xt/	/-i/	دوختی
/de:xt-æɡ/	/de:xt/	/-æɡ/	دوخت
/de:xt-im/	/de:xt/	/-im/	دوختیم
/de:xt-in/	/de:xt/	/-in/	دوختید
/de:xt-æn/	/de:xt/	/-æn/	دوختند

اگر فعل زمان گذشته به حالت سببی باشد و با واژه‌بست‌های ضمیری در نقش مفعول به کار رود، پسوند /-æɡ/ قبل از ضمیر مفعولی ظاهر می‌شود. این امر، فرض بازتحلیل را که قبلاً به آن اشاره شد، تقویت می‌کند:

تو را تعقیب می‌کرد. $et=met|err\ \square\ nd-\æɡ$

هم‌چنین اگر فعل جمله از افعال مرکب دارای هم‌کرد باشد، /-æɡ/ باز هم قبل از واژه‌بست‌های ضمیری در نقش مفعول ظاهر می‌شود:

ما را سرافراز کرد. $/særæfr\ \square\ z\ kord-\æɡ=em\ \square\ /$

جدول ۵. خوراند + صیغه‌های مختلف ضمائر مفعولی

گویش ادکان				ضمیر مفعولی	فارسی معیار
گذشته ساده	ستاک	نشانه سببی + تکواژ گذشته ساز	شناسه		
/xor\ \square\ nd-\æɡ=om/	/xor/	/\ \square\ nd/	/æɡ/	/-om/	خوراندم
/xor\ \square\ nd-\æɡ=et/	/xor/	/\ \square\ nd/	/æɡ/	/-et/	خوراندت
/xor\ \square\ nd-\æɡ=e /	/xor/	/\ \square\ nd/	/æɡ/	/-e /	خوراندش
/xor\ \square\ nd-\æɡ=em\ \square\ /	/xor/	/\ \square\ nd/	/æɡ/	/-em\ \square\ /	خوراندمان
/xor\ \square\ nd-\æɡ=et\ \square\ /	/xor/	/\ \square\ nd/	/æɡ/	/-et\ \square\ /	خوراندتان
/xor\ \square\ nd-\æɡ=e \ \square\ /	/xor/	/\ \square\ nd/	/æɡ/	/-e \ \square\ /	خوراندشان

در جدول بالا، شناسه /-æg/ در همه افعال، در مقام شناسه سوم شخص مفرد، نشان‌دهنده فاعل انجام کار است. بنابراین /xor□nd-æg=et/ یعنی «او به تو خوراند».

برای ساخت صورت منفی فعل در این زمان، در فارسی معیار از /næ-/ استفاده می‌شود در حالی که در این گویش به دلیل هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل از /ne-/ و /no-/ استفاده می‌گردد:

نچراند. /ne-tferr□nd-æg/

نخوردی. /no-xord-i/

۲-۲-۲-۴- ماضی استمراری

پیشوند «می» + ستاک گذشته + شناسه

در این گویش، مشابه با فارسی معیار، ماضی استمراری در موارد زیر به کار می‌رود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۲: ۵۴):

الف) برای بیان عملی که در گذشته به صورت مستمر ادامه داشته است.

یک ماه پنبه‌چینی می‌کردیم. /jæg m□ me-ræft-im bu□/

ب) برای بیان تکرار عملی در گذشته

هر بار که او را می‌دیدم کار می‌کرد. /hær sefær me-did-om-e□ k□r mo-kord-æg/

پ) بیان عادت در گذشته

/piaerom sig□r me-k□id-æg væli hælæ tærk kordæ/

پدرم سیگار می‌کشید ولی الان ترک کرده است.

ت) بیان فعلی که در زمان وقوع آن، فعل دیگری نیز واقع شده باشد.

/zær□ n□n mo-xord-ægke mæ æmæd-om/

زهره ناهار می‌خورد که من آمدم.

ث) به جای مضارع التزامی

/kæ□k□(m) mi-æmæd-æg m□ xof□l me-ræft-im/

کاش می‌آمد تا ما خوشحال می‌شدیم.

ج) به جای فعل التزامی، همراه با بیان آرزو یا شرط و جزای شرط؛ در این صورت معمولاً ماضی دیگری پیش از آن آورده می‌شود:

/dinnæ ræft-om didæne zær k□k□(m) toyæm mi-æmæd-i/

دیروز به دیدن زهرا رفتم. کاش تو هم می آمدی. (بیان آرزو)

/dinnæ k□m□me-h□ ræ med□dæn ægæ toyam mi-æmæd-i k□m□mæt-æ
me-greft-i/

دیروز کارنامه ها را می دادند. اگر تو هم می آمدی، کارنامه ات را می گرفتی. (شرط و جزای شرط)

جدول ۶. صرف فعل «دوشیدن» در زمان ماضی استمراری

گویش ادکان				فارسی معیار
ماضی استمراری	پیشوند	ستاک	شناسه	
/me-de:xt-om/	/me-/	/de:xt/	/-om/	می دوشیدم
/me-de:xt-i/	/me-/	/de:xt/	/-i/	می دوشیدی
/me-de:xt-æg/	/me-/	/de:xt/	/-æg/	می دوشید
/me-de:xt-im/	/me-/	/de:xt/	/-im/	می دوشیدیم
/me-de:xtin/	/me-/	/de:xt/	/-in/	می دوشیدید
/me-de:xt-æn/	/me-/	/de:xt/	/-æn/	می دوشیدند

همچنان که ملاحظه می شود در گویش ادکان شناسه سوم شخص مفرد ماضی استمراری نیز- /æg/ است در صورتی که در فارسی معیار /-Ø/ می باشد.

اگر فعل زمان ماضی استمراری به حالت سببی باشد و پیوسته های ضمیری در نقش مفعول به پایان فعل اضافه شود، پسوند /-æg/ قبل از شناسه همه فعل ها ظاهر می شود:

/mod ommand-æg-e/ تکانش می داد.

ساخت سببی به کمک ستاک گذشته در حالت غیرسببی نیز در این گویش به کار می رود و به نظر می رسد برای تأکید بر عامل انجام کار است:

/ owxeri ræ |egest-□nd-om/ لیوان را شکستم.

در این گویش، پیشوند استمراری به صورت های مختلفی چون /mo- /، /me- /و /mu:- / ظاهر می شود که به سبب هماهنگی واکه تکواژ استمرار با واکه ستاک پدید می آیند و مورد استفاده قرار می گیرند. مثلاً «می گویم»، /mogom/ تلفظ می شود و استفاده از پیشوند استمرار /mo- / به دلیل وجود

واکه /o/ ستاک است. به همین ترتیب داریم: می‌ریزند /mere:zæn/ می‌بردید /mu: ordin/ که علاوه بر هماهنگی واکه، شاهد کشش جبرانی به دلیل حذف واج /w/ در /mowordin/ هستیم.

ستاک حال فعل «دوشیدن»، «دوش» است که در این گویش در زمان‌های ماضی ساده، استمراری، نقلی، بعید و التزامی به صورت /de:xt/ به کار می‌رود و با ستاک گذشته از صورت «دوخت» استفاده می‌شود، اما در زمان آینده، مضارع اخباری، مضارع التزامی و امر، ستاک مضارع «دوش» به کار می‌رود.

ماده‌گاو را دوشیده بود. /mæjgowæde:xt-e:d-æg/

ماده‌گاو را دوشیدم. /mæjgowæ de:xt-om/

ماده‌گاو را می‌دوشم. /mæjgowæ me-de:-fom/

ماده‌گاورا بدوش. /mæjgowæ be-de:ʃ/

برای ساخت صورت منفی فعل در ماضی استمراری، از /ne-/ (همانند فارسی معیار) و در برخی موارد به دلیل هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل، از /no-/ نیز استفاده می‌گردد:

نمی‌دوختم. /ne-m-dext-om/

نمی‌خوردم. /no-m-xord-om/

۴-۲-۳- ماضی نقلی

ستاک گذشته + شناسه فعلی گذشته ساده + نشانه صفت مفعولی

ماضی نقلی در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) برای بیان عملی که در گذشته انجام شده و آثار و نتایج آن در زمان حال باقی است:

گلّه برگشته است. /gelæ vær-geʃt-æ/

ب) در فعل‌های لحظه‌ای-تداومی^۱ بر مضارع اخباری دلالت دارد:

آن‌ها خوابیده‌اند. / un xosbid-æn/

صرف فعل در ماضی نقلی مشابه صرف آن در ماضی ساده می‌باشد. همانند گفتار عادی، در گویش ادکان نیز، در صورت فعل ماضی نقلی معمولاً واکه پایانی /e/ از صفت مفعولی تلفظ نمی‌شود

^۱ افعالی که عمل‌شان در یک لحظه اتفاق می‌افتد اما ادامه پیدا می‌کند.

بلکه /e/ پایانی صفت مفعولی و واکه آغازین وند تصریفی در هم ادغام و تکیه بر هجای پایانی یعنی بر پی‌بند ماضی نقلی ظاهر می‌شود که منجر به کشش جبرانی می‌گردد:

فرستاده‌اند. /ræyi kord'æ:n/

جدول ۷. صرف فعل «شستن» در زمان ماضی نقلی

گویش ادکان			زبان فارسی معیار
ماضی نقلی	ستاک	شناسه	
/ʃoft-o:m/	/ʃoft/	/-om/	شسته‌ام
/ʃoft-i:/	/ʃoft/	/-i/	شسته‌ای
/ʃoft-æ:/	/ʃoft/	/-æ/	شسته است
/ʃoft-i:m/	/ʃoft/	/-im/	شسته‌ایم
/ʃoft-i:n/	/ʃoft/	/-in/	شسته‌اید
/ʃoft-æ:n/	/ʃoft/	/-æn/	شسته‌اند

تفاوت صرف فعل در زمان ماضی نقلی و ماضی ساده در جایگاه تکیه است به این ترتیب که در ماضی ساده تکیه روی هجای آغازین فعل و در ماضی نقلی روی شناسه است؛ علاوه بر این، شناسه -های صرفی ماضی نقلی، مانند زمان گذشته ساده‌اند، به جز شناسه سوم شخص مفرد که در ماضی ساده /æg/ و در ماضی نقلی /æ/ می‌باشد.

برای ساخت صورت منفی فعل در این زمان در فارسی معیار از /næ-/ استفاده می‌شود در حالی که در این گویش به سبب هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل از /ne-/ و /no-/ استفاده می‌گردد:

نرفته‌اند.

/ne-reft-æn/

نشسته است.

/no-ʃoft-æ/

۴-۲-۲-۴ ماضی بعید

ستاک زمان گذشته + نشانه صفت مفعولی + شناسه فعلی

موارد کاربرد ماضی بعید:

الف) برای بیان کاری که در گذشته پیش از انجام کار دیگری اتفاق افتاده باشد:

/væxte æz beri æmæd-om u xosbid-e:-d-æg/

وقتی از گوسفنددوشی آمدم، او خوابیده بود.

ب) وقتی دو عمل در زمان گذشته یکی پیش از دیگری انجام گیرد، یا یک عمل به هدف کار دیگری انجام شود و فاعل آن سوم شخص مفرد باشد، در زمان ماضی بعید پسوند /-æɡ/ در جایگاه پایانی فعل ظاهر می‌شود و گاهی «که» موصول یا حرف اضافه فعل اول حذف می‌گردد:

نشسته بود که ترا ببیند. /ne|fest-e:-d-æɡ (ke) to ræ be-bin-æ/

جدول ۸ صرف فعل «رفتن» در زمان ماضی بعید

گویش ادکان					فارسی معیار
ماضی بعید	ستاک	نشانه صفت مفعولی	بازمانده فعل کمکی بودن	شناسه	
/reft-e:-d-om/	/reft/	/-e:/	/d/	/-om/	رفته بودم
/reft-e:-d-i/	/reft/	/-e:/	/d/	/-i/	رفته بودی
/reft-e:-d-æɡ/	/reft/	/-e:/	/d/	/-æɡ/	رفته بود
/reft-e:-d-im/	/reft/	/-e:/	/d/	/-im/	رفته بودیم
/reft-e:-d-in/	/reft/	/-e:/	/d/	/-in/	رفته بودید
/reft-e:-d-æn/	/reft/	/-e:/	/d/	/-æn/	رفته بودند

تکیه افعال در ماضی بعید گویش ادکان روی واج آخر ستاک فعل است. هم‌چنین در این گویش فعل کمکی «بودن» در صرف افعال ماضی بعید به /d/ تبدیل می‌شود. به‌عنوان مثال، برای فعل «گفته بودم» می‌توان تبیین واجی زیر را ارائه داد:

الف) مرحله زیرساختی

/gofte budom/

ب) مرحله تبدیل /u/ به /ɔ/ به‌علت فاقد تکیه بودن

/gofte bədom/

پ) حذف فاقد تکیه و هجابندی مجدد

/gofteb dom/

ت) ادغام /d/ و /b/ در هم

/gofted dom/

ث) حذف واج مشدّد

/gofte dom/

ج) ایجاد کشش جبرانی پس از حذف واج مشدّد

/gofte: dom/

در صورت منفی فعل در این زمان در فارسی معیار از /næ-/ ولی در گویش ادکان به سبب هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل از /ne-/ و /no-/ استفاده می‌شود:

نرفته بودیم. /ne-reft-e:-d-im/

نگفته بودید. /no-goft-e:-d-in/

۴-۲-۵- ماضی التزامی

ستاک گذشته + نشانه صفت مفعولی + فعل کمکی + شناسه فعلی

ماضی التزامی در این گویش هم‌چون فارسی معیار برای بیان احتمال، آرزو، شرط، تحذیر و الزام در گذشته، همراه با عوامل التزامی ساز اگر /ægæ/، شاید /ælbæd/، باید /mexæ/ مبادا /næb d/ کاش /kælk(m)/ و مترادف‌های آن به کار می‌رود. هم‌چنین در صرف فعل کمکی /b/ فرایند تضعیف رخ داده و /b/ جای خود را به /mi/ دهد. / خفیف تلفظ می‌شود.

جدول ۹. صرف فعل «کردن» در زمان ماضی التزامی

گویش ادکان					فارسی معیار
ماضی التزامی	ستاک	نشانه صفت مفعولی	فعل کمکی	شناسه	
/kord-æ d-om/	/kord/	/-æ/	/ æ/	/-om/	کرده باشم
/kord-æ d-i/	/kord/	/-æ/	/ æ/	/-i/	کرده باشی
/kord-æ d-æ/	/kord/	/-æ/	/ æ/	/-æ/	کرده باشد
/kord-æ d-im/	/kord/	/-æ/	/ æ/	/-im/	کرده باشیم
/kord-æ d-in/	/kord/	/-æ/	/ æ/	/-in/	کرده باشید
/kord-æ d-æn/	/kord/	/-æ/	/ æ/	/-æn/	کرده باشند

در صورت منفی فعل در این زمان در فارسی معیار از /næ-/ ولی در گویش ادکان به سبب هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل از /ne-/ و /no-/ استفاده می‌گردد:

ندوخته باشی. /ne-de:xt-æ[æ]f-i/

نگریخته باشند. /no-gre:xt-æ[æ]f-aen/

۴-۲-۶- مضارع اخباری

پیشوند «می» + ستاک حال + شناسه فعلی

موارد کاربرد مضارع اخباری:

الف) برای بیان عملی که هم‌اکنون در حال انجام گرفتن است یا جنبه عادت و استمرار و تکرار دارد:

نامه می‌نویسم. om/-nve:s-/n[mæ me

ب) برای بیان زمان آینده:

فردا به باغ می‌روم. /ferd[mo-r-om b G/

جدول ۱۰. صرف فعل «خریدن» در زمان مضارع اخباری

گویش ادکان				فارسی معیار
مضارع اخباری	پیشوند	ستاک	شناسه	
/me-xer-om/	/me-/	/xer/	/-om/	می‌خرم
/me-xer-i/	/me-/	/xer/	/-i/	می‌خری
/me-xer-æ/	/me-/	/xer/	/-æ/	می‌خرد
/me-xer-im/	/me-/	/xer/	/-im/	می‌خریم
/me-xer-in/	/me-/	/xer/	/-in/	می‌خرید
/me-xer-aen/	/me-/	/xer/	/-aen/	می‌خرند

به تبعیت از ستاک فعل (هماهنگی واکه‌ای)، پیشوند مضارع ساز به /mo-/me-/ و /mu:-/ تغییر

می‌یابد:

می‌کنم.

/mo-n-om/

/me-gez-æ/ نیش می زند.

/mu:-r-i/ می بری.

در منفی کردن فعل در این زمان، علاوه بر /ne-/ (فارسی معیار) به سبب هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل از /no-/ نیز در برخی موارد استفاده می‌گردد:

/ne-m-re:z-i/ نمی ریزی.

/no-mo-xr-om/ نمی خورم.

۴-۲-۷- مضارع التزامی

پیشوند «ب» + ستاک حال + شناسه فعلی

مضارع التزامی در این گویش برای بیان احتمال، آرزو و الزام در آینده همراه با عوامل التزامی ساز کاش /kæ:k(m)/ شاید /ælbæd/ خدا نکند /xod ne gnæ/ و... بیان می‌شود:

/xod ne-gn-æ æd om ætij d mæn be-r-æ/ خدا نکند انسان

نیازمند شود.

جدول ۱۱. صرف فعل «رفتن» در زمان مضارع التزامی

گویش ادکان				فارسی معیار
مضارع التزامی	پیشوند	ستاک	شناسه	
/bo-r-om/	/bo-/	/r/	/-om/	بروم
/be-r-i/	/be-/	/r/	/-i/	بروی
/be-r-æ/	/be-/	/r/	/-æ/	برود
/be-r-im/	/be-/	/r/	/-im/	برویم
/be-r-in/	/be-/	/r/	/-in/	بروید
/be-r-æn/	/be-/	/r/	/-æn/	بروند

ویژگی ساختی این زمان داشتن تکواژ التزامی ساز /be-/ است که در این گویش به سبب هماهنگی

واکه‌ای با ستاک فعل، /be-/ یا /bo-/ به کار می‌رود:

بریزی. /be-re:z-i/

بگریزیم. /bo-gre:z-im/

در گویش ادکان در استفاده از فعل «داشتن» به‌زمان مضارع التزامی، تکواژ التزامی‌ساز حذف شده و در افعال پیشوندی و مرکب به هر دو صورت با حذف /be-/ و بدون حذف /be-/ دیده می‌شود: فعل «داشتن»:

اگر پول داری، مقداری به من بده. / ægæ pul dær-i yækæm be mæ be-t-i/

فعل پیشوندی «برخاستن»:

شاید زود از خواب برخیزد. / ælbæd zid az xow væxez-æ/

فعل پیشوندی «فرو کردن»:

اگر میخ را به دیوار فرو کند. / ægæ me:x-æbe dif|l fere: ken-æ/

فعل مرکب «نگاه داشتن»:

اگر اموالی دارید نگاه دارید. / ægæ m|lemænæli dær-in neg|(be)dær-in/

در این گویش مشابه فارسی معیار، تکواژ /be-/ در مضارع التزامی از فعل پرکاربرد «کردن» حذف می‌گردد:

/ ægæ i k|ræm kenæ v|zom fejdæ ne-dær-æ/

اگر این کار را هم کند باز هم بی‌فایده است.

هنگام منفی‌ساختن فعل در مضارع التزامی فارسی معیار /be-/ حذف شده و /næ-/ جایگزین آن می‌شود، درحالی‌که در گویش ادکان به‌دلیل هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل از /ne-/ یا /no-/ استفاده می‌گردد:

ای کاش حرف نزنی. /kæ|k|(m) gæp ne-zn-i/

اگر غذا نخورد. / ægæ n|n no-xr-æ/

۴-۲-۲-۸- آینده

در این گویش برای بیان کاری در آینده، اغلب از مضارع اخباری استفاده می‌شود:

/ferd□ mo-ro-m/ فردا می‌روم.

علاوه بر آن، فعل کمکی «خواستن» نیز برای بیان زمان آینده به کار می‌رود:

فعل کمکی «خواستن» + پیشوند + ستاک مضارع + شناسه

جدول ۱۲. صرف فعل «کاشتن» به کمک فعل «خواستن»

گویش ادکان					فارسی معیار
آینده	فعل کمکی	پیشوند	ستاک	شناسه	
/me-x-æ be-kær-om/	/mexæ/	/be-/	/kær/	/-om/	می‌خواهم بکارم
/me-x-æ be-kær-i/	/mexæ/	/be-/	/kær/	/-i/	می‌خواهی بکاری
/me-x-æ be-kær-æ/	/mexæ/	/be-/	/kær/	/-æ/	می‌خواهد بکارد
/me-x-æ be-kær-im/	/mexæ/	/be-/	/kær/	/-im/	می‌خواهیم بکاریم
/me-x-æ be-kær-in/	/mexæ/	/be-/	/kær/	/-in/	می‌خواهید بکارید
/me-x-æ be-kær-æn/	/mexæ/	/be-/	/kær/	/-æn/	می‌خواهند بکارند

همان‌گونه که در جدول بالا دیده می‌شود، برخلاف زبان فارسی معیار که فعل کمکی «خواستن» و نیز فعل اصلی صرف می‌شود، در این گویش فعل کمکی «خواستن» صرف نمی‌شود و به صورت ثابت /mexæ/ به کار می‌رود، و تنها فعل اصلی صرف شده و شناسه می‌پذیرد.

برای بیان زمان آینده منفی در این گویش، صورت منفی فعل /mexæ/ کاربرد ندارد و به جای آن از صورت منفی مضارع اخباری استفاده می‌شود، همانند فارسی معیار:

/me-x-æ□u deræxt-æ be-kær-om/ آن درخت را خواهم کاشت.

/u deræxt-æ nem-kær-om/ آن درخت را نخواهم کاشت.

اگر فعل کمکی /mexæ/ در ترکیب زمان آینده برای دوم شخص منفی شود، مفهوم «نهی» را خواهد داشت:

/ne-m-x-æ deræxt-æ be-kær-i/ تو نمی‌خواهد درخت را بکاری. (نهی)

و اگر /mexæ/ در زمان آینده برای سایر اشخاص منفی شود، دال بر عدم لزوم و ضرورت است:

/ne-m-x-æ deræxt-æ be-kær-im/

نمی‌خواهد (لازم نیست) درخت را بکاریم. (عدم لزوم و ضرورت)
 اگر «خواستن» همان شناسه فعل بعدی‌اش را بگیرد، مفهوم «عدم تمایل به انجام کاری» را می‌رساند:

/ne-m-x-im deræxt-æ be-kær-im/

ما نمی‌خواهیم درخت را بکاریم. (تمایل نداشتن)

«خواستن» در جمله زمان آینده همیشه قبل از مفعول قرار می‌گیرد:

/me-x-æ kæsse-h□ ræbe-ʃow-om/

من ظرف‌ها را خواهم شست.

لازم به ذکر است زمان‌های ملموس اعم از ماضی و مضارع ملموس در این گویش کاربردی ندارند و جملائی که مفهوم این کاربرد را برسانند به کمک تکیه و آهنگ کلام و یا با استفاده از جابه‌جایی قید مکان و زمان که بر انجام کار تأکید داشته باشند، بیان می‌شوند:

علی کجاست؟ / æli kod in□n-æ/

علی در خانه دارد درس می‌خواند. /xænæn-æ dærs me-xæn-æ/

پدر: علی کجا بودی؟ /kod i bid-i/

من داشتم دام‌ها را علوفه می‌دادم. /m□l□ ræjem mo-kord-om/

هم‌چنین ماضی نقلی مستمر و مضارع مستمر نیز به آن صورتی که در زبان فارسی معیار دیده می‌شود، در این گویش کاربرد ندارد و این مفاهیم زبانی، اغلب با استفاده از تغییر تکیه و آهنگ کلام و یا تغییر کشش واکه‌ای بر شناسه‌های فعل در زمان‌های ماضی و مضارع بیان می‌شوند.

۴-۳- فعل امر

پیشوند «ب» + ستاک حال + شناسه فعلی

فعل امر در این گویش همانند فارسی معیار دارای دو ساخت می‌باشد:

الف) دوم شخص مفرد

جدول ۱۳. صرف فعل «دادن» در ساخت امر دوم شخص مفرد

گویش ادکان				فارسی معیار
پیشوند	ستاک	شناسه	امر	

/be-/	/ti/	/ø/	/beti/	بده
-------	------	-----	--------	-----

(ب) دوم شخص جمع

جدول ۱۴. صرف فعل «خوردن» در ساخت امر دوم شخص جمع

گویش ادکان				فارسی معیار
پیشوند	ستاک	شناسه	فعل امر	
/bo-/	/xor/	/in/	/boxrin/	بخورید

فعل «ایستادن» در دوم شخص مفرد امر، شناسه یا پسوند /-æg/ می‌گیرد:

/be-st-æg xod □ t □ r dær-om/ واستا باهات کار دارم.

امر از مصدر «بستن» در این گویش با ستاک گذشته ساخته می‌شود، بنابراین دو تکواژ /be/کنار هم قرار می‌گیرند و اغلب در طی فرایند واجی تضعیف، تکواژ دوم به /we/ تبدیل می‌گردد:

/bebest/ , /bu:st/ ببند

تبیین واجی /bu:st/ بدین شرح است: /bebest/ در طی فرایند واجی تضعیف به /bewest/ تبدیل می‌شود؛ سپس به دلیل همگونی واج /e/ با واج غلتان /w/ /e/ به /u/ تبدیل می‌گردد /buwest/ ؛ /w/ و /e/ بعد از آن حذف شده و کشش جبرانی بر /u/ اعمال می‌شود /bu:st/ فعل امر اگر منفی شود آن را «نهی» می‌نامند. برخلاف فارسی معیار که با تکواژ /-næ/ منفی می‌شود، در این گویش صرفاً با تکواژ /-mæ/ منفی می‌شود که بازمانده فارسی میانه است (راستارگویا، ۱۳۷۹: ۱۳۹):

/t□ low-æ □ æz dæste] mæ-gir/ چوب را از دستش بگیر.

در این گویش /-var/ جانشین /-bar/ در فعل‌هایی که دارای این پیشوند هستند، می‌شود و فعل امر آن‌ها نیز با همین پیشوند و بدون حضور «ب» ساخته شده و منفی می‌شود؛ البته علامت منفی /-mæ/ همراه با فعل اصلی به کار می‌رود:

/t □ no-goft-om vær-mæ-xe:z/ تا نگفته‌ام برنخیز.

گرایش به استفاده از افعال مرکب به جای افعال ساده فارسی معیار در این گویش فراوان است که همانند فارسی معیار در ساخت منفی، علامت نفی در ابتدای همکرد ظاهر می‌شود:

لباس هایت را پوشیدی؟ /ræxt t-æbæret kord-i/

۵- ویژگی‌های مشترک در ساختمان فعل‌های گویش

(۱) در این گویش به جای تکواژ /-d/ ماضی‌ساز فارسی معیار، از تکواژ /-id/ استفاده می‌شود که بازمانده پهلوی است (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۱۳۶): افتاد ← /eftid/

(۲) بن مضارع فعل‌هایی که به دو واکه مرکب /o/ و /ei/ ختم شوند، به جای علامت ماضی‌ساز /-id/ علامت ماضی‌ساز /-ist/ می‌گیرند: /dowist/ ← /dow/

(۳) در هجای آغازین فعل‌هایی که واکه /æ/ یا /o/ دارند اغلب تبدیل واکه صورت گرفته و به واکه /e/ تبدیل می‌شوند: انداخت /ændxt/ ← /endxt/ در واژگان غیر فعلی نیز معمولاً همین اتفاق می‌افتد: /dasmql/ ← /desmql/

(۴) در گویش ادکان هنگام افزوده شدن پیشوند /mi-/ اخباری و استمراری و /be-/ امری‌ساز و التزامی‌ساز به فعل‌هایی که دارای واکه آغازین /i/ و /o/ باشند، واکه آغازین فعل با واکه /i/ پیشوند /mi-/ یا واکه /e/ پیشوند /be-/ ادغام شده و به /e/ تبدیل می‌شود.

مثال: «ایستادن» در اول شخص مفرد زمان‌های مختلف به این صورت صرف می‌شود:

آینده:	می‌خواهم بایستم.	/mexæ bestom/
گذشته استمراری:	می‌ایستادم.	/mestidom/
حال التزامی:	بایستم.	/bestom/
حال اخباری:	می‌ایستم.	/mestom/

۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی بخشی از نظام فعلی گویش ادکان پرداخته شد و مشاهده کردیم افعال در این گویش در بسیاری موارد از لحاظ آوایی و صرفی با فارسی معیار به‌خصوص در ساخت‌های استمراری، آینده، ماضی بعید و ماضی نقلی متفاوت است. در پی پاسخ به دو پرسش مطرح‌شده در

ابتدای پژوهش، مهم‌ترین نتایج بررسی انجام‌شده را در موارد زیر می‌توان خلاصه نمود. در این گویش:

۱. برخلاف فارسی معیار، فعل‌ها در زمان‌های ماضی نقلی مستمر، ماضی ابعده، ماضی یا مضارع ملموس صرف نمی‌شوند. زمان ماضی ساده بیانگر انجام کار به صورت مستمر یا ملموس نیز می‌باشد. فعل ماضی بعید، کاری را که در گذشته دورتر هم اتفاق افتاده باشد، بیان می‌کند. کشش واکه‌ای بر روی شناسه فعل، تکیه و آهنگ کلام، نوع ماضی نقلی را از ماضی نقلی مستمر، یا مضارع اخباری را از مضارع ملموس متمایز می‌سازد.

۲. شناسه‌ها متفاوت با فارسی معیارند؛ به این ترتیب که در تمامی ساخت‌های ماضی و مضارع در اول‌شخص مفرد برابر /æm-/ در فارسی معیار، /om-/ و در دوم‌شخص جمع برابر /id-/ در فارسی معیار، /in-/ استفاده می‌شود و در سوم‌شخص جمع همخوان /d-/ از آخر شناسه حذف شده است. شناسه سوم‌شخص مفرد در فارسی معیار /ø-/ و در گویش ادکان در ماضی ساده، استمراری و بعید- /æg/ یا صورت واک‌گرفته آن /æk-/ می‌باشد. این شناسه تکواژی است که در گذشته از ماده ماضی، صفت مفعولی می‌ساخته و در این گویش به صورت شناسه سوم‌شخص بازتحلیل شده است. در ماضی نقلی و التزامی و هم‌چنین تمامی ساخت‌های مضارع گویش ادکان شناسه سوم‌شخص مفرد- /æ/ می‌باشد.

۳. اگر فعل زمان گذشته به حالت سببی باشد و با واژه‌بست‌های ضمیری در نقش مفعول به کار رود، پسوند /æg-/ قبل از ضمیر مفعولی ظاهر می‌شود. این امر، فرض بازتحلیل را تقویت می‌کند. ساخت سببی به کمک ستاک گذشته در حالت غیرسببی نیز به کار می‌رود و به نظر می‌رسد برای تأکید بر عامل انجام کار است.

۴. پیشوند استمراری به سبب هماهنگی واکه تکواژ استمرار با واکه ستاک به صورت‌های مختلفی چون /mo- /، /me- / و /mu- / ظاهر می‌شود.

۵. صرف فعل در ماضی نقلی مشابه صرف آن در ماضی ساده می‌باشد. تفاوت آن‌ها در جایگاه تکیه است. در ماضی ساده تکیه روی هجای آغازین فعل و در ماضی نقلی روی شناسه است. در صورت فعل ماضی نقلی معمولاً واکه پایانی /e/ از صفت مفعولی تلفظ نمی‌شود بلکه /e/ پایانی صفت

مفعولی و واکه آغازین وند تصریفی در هم ادغام و تکیه بر پی‌بند ماضی نقلی ظاهر می‌شود که منجر به کشش جبرانی می‌گردد.

۶. فعل کمکی «بودن» در صرف فعل‌های ماضی بعید به /d/ تبدیل می‌شود که بازمانده فعل کمکی بودن است.

۷. در مضارع اخباری به دلیل هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل، پیشوند مضارع‌ساز /mi-/ به /mo-/ /me-/ و /mu:-/ در مضارع التزامی تکواژ التزامی ساز /be-/ نیز به دلیل هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل، به صورت‌های /be-/ و /bo-/ به کار می‌رود.

۸. در «داشتن» به زمان مضارع التزامی، تکواژ التزامی ساز حذف شده و در افعال پیشوندی و مرکب به هر دو صورت با حذف /be-/ و بدون حذف /be-/ دیده می‌شود. هم‌چنین مشابه فارسی معیار تکواژ /be-/ در مضارع التزامی از فعل پرکاربرد «کردن» حذف می‌گردد.

۹. برای ساخت صورت آینده دو روش وجود دارد: (۱) استفاده از مضارع اخباری، که اغلب از این روش استفاده می‌شود؛ (۲) استفاده از فرمول: فعل کمکی «خواستن» + پیشوند + ستاک مضارع + شناسه. در روش دوم فعل کمکی «خواستن» صرف نمی‌شود و به صورت ثابت /mexæ/ به کار می‌رود. فعل کمکی «خواستن» در جمله زمان آینده همیشه قبل از مفعول قرار می‌گیرد.

۱۰. ساخت فعل امر مشابه فارسی معیار است. به‌جز موارد استثنایی چون فعل «ایستادن» که در دوم‌شخص مفرد امر، شناسه یا پسوند /-æg/ می‌گیرد؛ هم‌چنین امر از مصدر «بستن» در این گویش با ستاک گذشته ساخته می‌شود.

۱۱. برای ساخت صورت منفی فعل در زمان‌های ماضی ساده به دلیل هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل از /ne-/ و /no-/ استفاده می‌شود، درحالی‌که در فارسی معیار از /næ-/ استفاده می‌گردد.

۱۲. برای ساخت صورت منفی فعل در زمان ماضی استمراری، از /ne-/ (همانند فارسی معیار) و در برخی موارد به دلیل هماهنگی واکه‌ای، از /no-/ استفاده می‌گردد.

۱۳. برای ساخت صورت منفی فعل در زمان‌های ماضی نقلی، بعید و التزامی به سبب هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل از /ne-/ و /no-/ استفاده می‌گردد؛ برخلاف فارسی معیار که از /næ-/ استفاده می‌شود.

۱۴. در منفی کردن فعل در زمان مضارع اخباری، از /ne-/ (همانند فارسی معیار) و در برخی موارد به سبب هماهنگی واکه‌ای با ستاک فعل از /no-/ استفاده می‌گردد.
۱۵. هنگام منفی ساختن فعل در مضارع التزامی /be-/ حذف شده و /ne-/ یا /no-/ جایگزین آن می‌شود، در حالی که در فارسی معیار از /næ-/ استفاده می‌گردد.
۱۶. در آینده منفی، صورت منفی فعل /mexæ/ کاربردی ندارد و به جای آن از صورت منفی مضارع اخباری استفاده می‌شود (همانند فارسی معیار). اگر فعل کمکی /mexæ/ در ترکیب زمان آینده برای دوم شخص منفی شود، مفهوم «نهی» را خواهد داشت و اگر برای سایر اشخاص منفی شود، دال بر عدم لزوم و ضرورت است. اگر فعل «خواستن» در صورت منفی، همان شناسه فعل بعدی‌اش را بگیرد، مفهوم «عدم تمایل به انجام کاری» را می‌رساند.
۱۷. فعل امر برخلاف فارسی معیار که با تکواژ /næ-/ منفی می‌شود، صرفاً با تکواژ /mæ-/ منفی می‌شود که بازمانده فارسی میانه است.
۱۸. در تمامی زمان‌ها /var-/ جانشین /bar-/ در فعلی می‌شود که دارای این پیشوند است.
۱۹. گرایش به استفاده از فعل‌های مرکب به جای فعل‌های ساده فارسی معیار فراوان است.
۲۰. ستاک حال فعل «دوشیدن»، «دوش» است. این فعل در زمان‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی التزامی به صورت /dext/ به کار می‌رود و با ستاک گذشته از صورت «دوخت» استفاده می‌شود؛ اما در زمان آینده، مضارع اخباری، مضارع التزامی و امر، ستاک مضارع «دوش» به کار می‌رود.
۲۱. به جای تکواژ /d-□/ ماضی ساز فارسی معیار از تکواژ /id-/ استفاده می‌شود که بازمانده پهلوی است. هم‌چنین، در بعضی از فعل‌هایی که بن مضارع آن‌ها مختوم به واکه مرکب /ow- یا /ei/ است، برای به دست آوردن بن مضارع از تکواژ ماضی ساز /-ist/ استفاده می‌شود.
۲۲. واکه /æ/ یا /o/ در هجای آغازین فعل‌ها، به واکه /e/ تبدیل می‌شوند. هم‌چنین هنگام افزوده شدن پیشوند /mi-/ اخباری و استمراری و /be-/ امری ساز و التزامی ساز به فعل‌هایی که دارای واکه آغازین /i/ و /o/ باشند، واکه آغازین فعل با واکه /i/ پیشوند /mi-/ یا واکه /e/ پیشوند /be-/ ادغام شده و به /e/ تبدیل می‌شود.

بررسی‌های نحوی، ساخت‌واژی و مجهول ساختن فعل‌ها در این گویش، از مواردی است که همواره از مطالعه و بررسی به‌دور مانده و می‌تواند منبع ارزشمندی برای پژوهش‌های زبانی، مردم‌شناختی و تاریخی باشد. بررسی و مقایسه گویش روستای نیش‌کیش که در فاصله کم‌تر از یک کیلومتری روستای ادکان است و با این وجود تفاوت‌های قابل توجهی با گویش ادکان دارد، برای پژوهش‌های آینده مورد بسیار مناسبی است. هرچند گمان می‌رود گویش‌ها به‌تدریج در معرض نابودی قرار گرفته و گونه معیار جایگزین آن‌ها گردد، با این حال تحقیقاتی که در زمینه گویش‌ها انجام می‌گیرد، خدمت بزرگی به سرزمین ایران محسوب می‌شود.

کتابنامه

- آقاملایی، ایرج. (۱۳۸۹). *تاریخ مشاهیر خراسان شمالی*. چاپ اول. مشهد: نشر مرندیز.
- آل احمد، جلال. (۱۳۸۹). *تات‌نشین‌های بلوک زهرا*. چاپ اول. قم: انتشارات ژکان.
- آموزگار، ژاله. تفضلی، احمد. (۱۳۷۵). *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*. چاپ دوم. تهران: انتشارات معین.
- اکبرزاده، هادی. کنعانی، ابراهیم. عبدی، محمدرضا. (۱۳۸۹). «بررسی واژه‌هایی از گویش تاتی مردم سنخواست و جاجرم در آثار عطار». *اسماعیلی، عصمت. جباری، مصطفی. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران*. سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان، ۳۶۰-۳۴۳.
- الاجه‌گردی، علیرضا. (۱۳۷۸). *ساختمان گروه فعلی در گویش نیشابوری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- الداغی، آیتا. (۱۳۸۹). «افعال ماضی و مضارع در گویش سبزواری». *اسماعیلی، عصمت. جباری، مصطفی. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران*. سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان، ۳۸۰-۳۶۱.
- امیری، ماریا. زارع، آمنه. (۱۳۸۹). «اطلس گویش‌های مردم شهرستان تفت». *اسماعیلی، عصمت. جباری، مصطفی. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران*. سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان، ۴۷۶-۴۵۳.
- انوری، حسن. احمدی گیوی، حسن. (۱۳۹۲). *دستور زبان فارسی ۲*. ویرایش چهارم: چاپ سوم. تهران: انتشارات فاطمی.
- پارسانسب، محمد. (۱۳۹۳). *واژه‌نامه گویش اشتهاردی*. چاپ اول. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- جهانبخش، ابراهیم. ۱۳۸۷. «ساختار دستوری تاتی». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی. تاکستان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان.
- جهانگیری، نادر. (۱۳۷۸). *زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه (مجموعه مقالات)*. چاپ اول. تهران: نشر آگه.
- حسینی زنجانی‌نژاد، حامد. (۱۳۸۹). *بررسی ساخت فعل در گویش اشتهاردی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دانش‌نامه دانش گستر. زیر نظر علی رامین، کامران فانی، محمدعلی سادات. جلد پنجم. چاپ اول (۱۳۸۹). تهران: مؤسسه گستر روز.
- راستارگویا، ورا سرگی یونا. ولی‌الله شادان. *دستور زبان فارسی میانه*. چاپ دوم (۱۳۷۹). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رحمانی، اسدالله. ۱۳۸۷. «راه‌کارهای حفظ زبان تاتی». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی. تاکستان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان.
- رحمانی، ایرج. (۱۳۸۰). *بررسی ساختمان فعل در گویش تاتی تاکستان و منطقه بوبین‌زهرا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رحمتی، علی. (۱۳۹۴). *فرهنگ قومی و جغرافیایی شهرها و آبادی‌های خراسان شمالی*. چاپ اول. بجنورد: نشر بیژن یورد.
- سبزه‌علی پور، جهان‌دوست. (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی خلخال، تالش و گیلکی*. پایان‌نامه دکترا، دانشگاه گیلان.
- صفرزاده، حبیب. (۱۳۸۲). *گویش تاتی شمال خراسان*. چاپ اول. مشهد: انتشارات سخن گستر.
- صفرزاده، حبیب. «پژوهشی در گویش شمال خراسان و کاربرد آن در تصحیح و شرح متون ادب فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. زمستان ۱۳۸۶. شماره ۱۵۹. صص. ۶۷-۸۸.
- طاهری، عباس. (۱۳۷۰). *دستور زبان تاتی تاکستانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- طاهری، عباس. ۱۳۸۷. «بررسی گویش تاتی تاکستان». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تات‌شناسی. تاکستان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان.
- عبدلی، علی. (۱۳۸۰). *فرهنگ تطبیقی تاتی، تالش، آذری*. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور - استان خراسان شمالی - شهرستان اسفراین. چاپ اول (۱۳۸۴). تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- فسنقری، غلامرضا. شاهد، احمد. (۱۳۸۱). *مشاهیر رجال اسفراین*. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مبشری، اسدالله. (۱۳۶۸). *جغرافیای روستای ادکان از توابع شهرستان اسفراین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- متولی حقیقی، یوسف. (۱۳۸۷). *خراسان شمالی: پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی شهرهای خراسان شمالی از آغاز تا انقلاب اسلامی*. چاپ اول. مشهد: آهنگ قلم.
- مدنی، داود. (۱۳۷۴). *توصیف گروه فعلی گویش راجی (گویش دلجان)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- مزینانی، ابوالفضل. شهبلا. «ساخت افعال گویش مزینانی: پلی از پهلوی به فارسی معاصر». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. نوبت چاپ.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۴). *دستور زبان فارسی*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات توس.
- نوروززاده، شیوا سادات. ۱۳۸۹. «بررسی گویش تاتی رویین واقع در شهرستان اسفراین و کاربرد آن در تصحیح و شرح متون ادبی فارسی». اسماعیلی، عصمت. جباری، مصطفی. *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران*. سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان، ۲۰۹۹-۲۱۳۱.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۹۰). *دستور زبان فارسی (۱)*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات سمت.
- یحیی‌زاده، سید اکبر. (۱۳۸۲). *بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.